

بررسی اشعار آیینی دوره مشروطه

منوچهر اکبری^۱، ملیحه خیری^۲

چکیده

اشعاری که در موضوعات مدح یا رثای معصومین^(ع)، غدیر، بعثت، معراج رسول^(ص)، ظهور، عاشورا، تولی و تبری اهل بیت عصمت و طهارت باشد، در حوزه شعر آیینی قرار می‌گیرند. در دوره مشروطه مضامین جدیدی وارد ادبیات می‌شود که برگرفته از فرهنگ عاشورا و قیام حسینی هستند. ستم‌ستیزی، برقراری عدالت و نیز مبارزه با استعمار، از مضامینی است که با توجه به شرایط زمانه و تحت تأثیر نهضت عاشورا در شعر رواج می‌یابند. شاعران آیینی‌سرای این دوره را می‌توان در دو دسته متمایز قرار داد؛ یکی شاعرانی که در کنار مسائل دینی به مسائل اجتماعی و سیاسی زمان خود توجه دارند و به آن موضوعات هم پرداخته‌اند؛ اما دسته دوم شاعرانی که در اشعارشان توجه چندانی به حوادث سیاسی یا اجتماعی زمانه نداشته‌اند. در این مقاله از روش کتابخانه‌ای و پژوهشی در آثار شاعران مشروطه و از شیوه مطالعه توصیفی، تحلیلی و انتقادی، استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: نقد ادبی، شعر آیینی، شعر مذهبی، دوره مشروطه

makbari@ut.ac.ir

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. Malihe_sahba@yahoo.com
تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۹

مقدمه

«شعر آیینی به گونه‌ای از شعر متعهدانه گفته می‌شود که از جهت معنایی و محتوایی صبغه کاملاً دینی دارد و از آموزه‌های وحیانی، فرهنگ عترت و ولایت و تاریخ اسلام سرچشمه می‌گیرد. مناسبت‌های مذهبی، ستایش چهره‌های دینی، توجه به مقوله‌های قدسی و ملکوتی و تزکیه و تهذیب نفس انسانی، در هسته مرکزی شعر مذهبی قرار دارد» (اکرمی، ۱۳۹۰: ۳۳). محدوده کار ما در این مقاله، اشعاری است که صرفاً به موضوعات مذهبی ما یعنی خدا، قرآن، پیامبر (ص)، امامان، اصحاب ایشان و نیز خاندان و اهل بیت آن بزرگواران می‌پردازد. شعر ولایی، با شاخه‌هایی چون شعر نبوی، علوی، فاطمی، عاشورایی، رضوی و مهدوی، در شمار اشعار آیینی قرار می‌گیرد.

«ادبیات دوره مشروطه شامل آن بخش از ادبیات فارسی است که از یک سو ریشه در سه دهه واپسین پادشاهی ناصرالدین‌شاه دارد و از سوی دیگر، ویژگی‌های عام آن تقریباً در سال‌های منجر به کودتای ۱۲۹۹ ه.ش و حتی در سال‌های پس از آن در ادبیات فارسی پدیدار می‌شود.» (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۲: ۶۹) ولی ما دامنه کار را از انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ شمسی) در نظر گرفتیم تا نظم و حدود مشخصی داشته‌باشد.

فرضیه تحقیق

با توجه به جنبش مشروطه و انقلابی بودن محتوای آثار ادبی، پیوند نزدیکی میان شعر این دوران با مفاهیم شیعی به‌ویژه نهضت امام حسین (ع) وجود دارد.

پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر آثار محدودی پیرامون ادبیات آیینی معاصر تألیف شده‌اند که البته اکثر آن‌ها مانند شرح منظومه ظهیر و عاشورا در آیین شعر معاصر، تنها به ادب عاشورایی پرداخته‌اند؛ اما نقد و تحلیل شعر مذهبی دوره مشروطه انجام نشده و ضرورت انجام این کار احساس می‌شود. از این رو به دسته‌بندی شاعران آیینی این دوره مهم تاریخی پرداخته‌ایم و سپس تلاش نمودیم تا از هر دسته، شاعران بزرگ و مهم را انتخاب کرده و به نقد اشعارشان از منظر زبانی، بلاغی و نیز محتوایی بپردازیم.

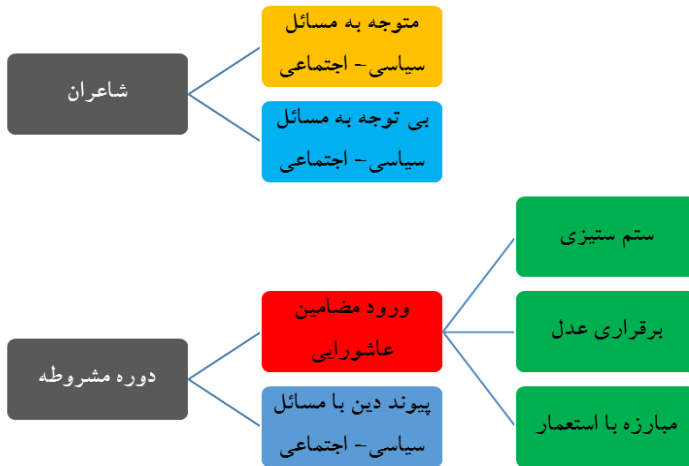
روش تحقیق

در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای و پژوهشی در آثار شاعران مشروطه از شیوه مطالعه

توصیفی، تحلیلی و مطالعه انتقادی، استفاده گردیده و به بیان ویژگی‌های مهم اشعار آیینی این دوران‌ها پرداخته شده است. گردآوری اطلاعات به صورت فیش‌برداری و از منابع کتابخانه‌ای به دو نوع منابع اولیه (آثار شاعران) و منابع ثانویه (تألیفاتی که در نقد و بررسی آن آثار نوشته شده) انجام گرفته است. روش تحلیل داده‌های تحقیق مبنی بر شیوه‌های توصیفی و تحلیلی اشعار شاعران و بیان نمونه‌ها همراه با ویژگی‌های آن‌ها است.

الف) نقد اشعار آیینی مشروطه

عصر طلایی شعر آیینی، دوره قاجاریه است. «آفرینش منظومه‌های متعدد، تعداد شاعران و پیدایش شاعرانی که منحصرأ با موضوع مذهب و عاشورا سخن گفته‌اند، آفرینش شعر نوحه و تعزیه، به‌کارگیری وزن‌ها و قالب‌های متعدد و متنوع در شعر مذهبی، این گونه ادبی را در عصر قاجاریه برجسته نموده است» (کافی، ۱۳۸۱: ۲۹۴). ویژگی‌های خاص شعر آیینی در این دوره را می‌توان در نمودار زیر مشاهده کرد:



ادبیات فارسی همواره تحت تأثیر مستقیم اسلام بوده و بسیاری از مسایل مطرح شده در ادبیات، متأثر از دین است. از جمله، در زمینه مبارزه با ظلم و شهادت‌طلبی، بسیاری از شاعران از نهضت سیدالشهداء^(ع) تأثیر پذیرفته‌اند و مردم را به قیام فراخوانده‌اند. «ظلم‌ستیزی بارزترین نمود قیام امام حسین^(ع) است و ادبا و اندیشمندان تاریخ از عصر عاشورا تاکنون، در برابر سازش‌ناپذیری، استقامت و ظلم‌ستیزی امام کرنش نموده‌اند. وقتی شعار انقلاب اسلامی ستم‌ستیزی باشد، این پیوند بديهی و طبیعی می‌نماید و خیلی راحت

در ذهن شاعران این ارتباط برقرار می‌شود و با تلویح و تلمیح، این دو واقعه را به هم پیوند می‌دهند» (کافی، ۱۳۸۸: ۵۱۴). شاعران آیینی‌سرای این دوره به دو دسته بزرگ قابل تفکیک هستند: یکی شاعرانی که در کنار مسائل دینی به مسائل اجتماعی و سیاسی زمان هم توجه دارند و در میان همان اشعار آیینی و یا دست‌کم در اشعاری جداگانه، به آن موضوعات هم پرداخته‌اند؛ دسته دوم شاعرانی که در اشعارشان انعکاسی از حوادث سیاسی یا اجتماعی زمانه دیده نمی‌شود. اغلب آنان سبک بازگشتی دارند و تنها طرح مسائل دینی دغدغه آن‌ها بوده است. این مسئله از ارزش شعر آنان نمی‌کاهد؛ چه بسیاری از آنان از شاعران بزرگ و توانا محسوب می‌شوند. سرایندگانی مانند *ادیب‌الممالک*، *سید اشرف*، *بهار*، *ایرج* و *دهخدا* در دسته اول قرار می‌گیرند و کسانی چون *فؤاد کرمانی* و *صغیر اصفهانی*، بیشتر جزء گروه دوم هستند؛ چون در کنار مسایل مذهبی، گاهی به مضامین سیاسی و اجتماعی پرداخته‌اند اما دغدغه اصلی آنان همان مذهب است و اگر شهرتی هم داشته باشند از همان موضوع است. نکته قابل توجه آن است که نوجویی و نوگویی در گروه اول وجود دارد و اشعار گروه دوم، به سبک کهن هستند؛ یعنی همانطوری که شاعران دسته دوم به حوادث زمانه بی‌توجه یا کم‌توجه هستند، از سبک شعر مشروطه نیز عقب مانده و در گذشته سیر می‌کنند.

الف.۱) شاعران گروه اول

شاعران بزرگ و مشهور دوره مشروطه که بازتاب حوادث زمانه در اشعارشان جلوه‌گر است و گاهی نوجویی و نوگرایی‌هایی در شعرشان دیده می‌شود، به ترتیب سال وفات، چنین‌اند:

الف.۱.۱) ادیب‌الممالک فراهانی

محمدصادق بن حاجی میرزا حسین فراهانی متولد یازدهم مرداد ۱۲۳۹، گازران از توابع شهرستان فراهان ملقب به *ادیب‌الممالک فراهانی* و *امیرالشعرا* و متخلص به *امیری* و *پروانه*، شاعر، ادیب و روزنامه‌نگار دوره مشروطه در پانزده سالگی و پس از مرگ پدرش به تهران آمد و به پایمردی *حسن‌علی‌خان امیرنظام گروسی*، به دستگاه *طهماسب میرزا مؤیدالدوله* راه یافت. ادیب از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۱ ه‍.ق همراه *امیرنظام* در مناطقی مانند آذربایجان، کردستان، کرمانشاه و در سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ ه‍.ق در تهران به سر می‌برد. در سال ۱۳۱۴ ق بار دیگر همراه *امیرنظام* به آذربایجان رفت و هنگامیکه مدرسه *لقمانیه*

تبریز در سال ۱۳۱۶ ه. ق افتتاح شد، نیابت ریاست آنجا را عهده‌دار گشت و در همین سال روزنامه/ادب را در تبریز منتشر ساخت. در سال ۱۳۱۸ ه. ق راهی خراسان شد و انتشار روزنامه/ادب را تا سال ۱۳۲۰ در آنجا پی گرفت. در سال ۱۳۲۱ ه. ق به تهران آمد و سردبیری روزنامه/ایران سلطانی را تا سال ۱۳۲۳ عهده‌دار شد. در این سال به بادکوبه رفت و انتشار بخش فارسی روزنامه/ارشاد را که به ترکی منتشر می‌شد، بر عهده گرفت. ادیب در سال ۱۳۲۴ ه. ق بار دیگر به تهران بازگشت و این بار سردبیری روزنامه مجلس به او سپرده شد. او در سال ۱۳۲۵ روزنامه عراق عجم را در همین شهر منتشر ساخت. در دوران استبداد محمدعلی شاه ادیب به صف مشروطه‌خواهان پیوست و در سال ۱۳۲۷ ه. ق همراه با مجاهدان فاتح وارد تهران شد. در سال ۱۳۲۹ ه. ق وارد عدلیه یا دادگستری امروزی شد و تا پایان عمر به ریاست چندین شعبه عدلیه در شهرهای اراک، سمنان، ساوجبلاغ و یزد منصوب شد. ادیب/الممالک فراهانی در روز دوم اسفند ۱۲۹۵ خورشیدی (۲۸ ربیع‌الثانی سال ۱۳۳۵ ه. ق) در شهر یزد سکنه کرد و در همین سال پس از بازگشت به تهران درگذشت (رک. موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۹ به بعد). ادیب/الممالک مردی بود به تمام معنی ادیب که در لغت فارسی و تازی تبحر داشت و بر ادب و تاریخ و قصص و روایات عرب و عجم مسلط بود و همین امر سبب شد که نه تنها قصاید و مدایح بلکه اشعار سیاسی او نیز از دسترس فهم مردم عامه خارج گردد. یکی از معروفترین اشعار او شعری است که در مدح و تهنیت ولادت حضرت محمد (ص) در قالب مسمط در زمان مظفرالدین شاه سروده است:

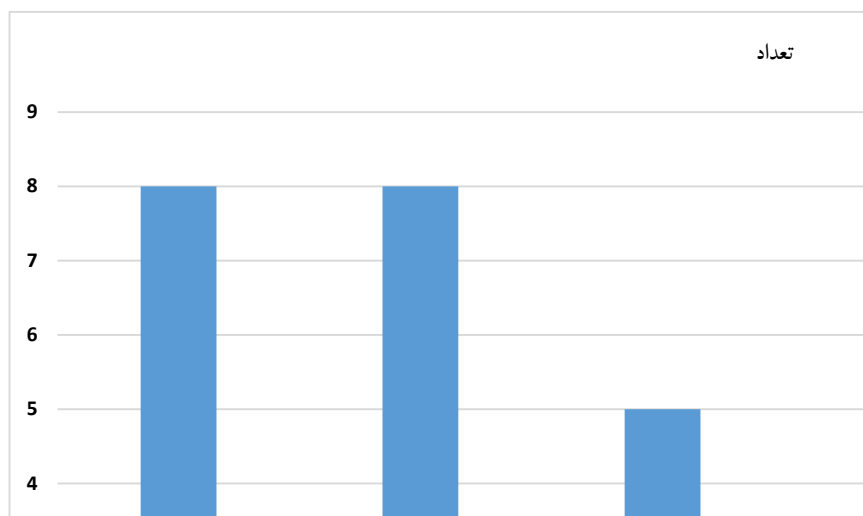
برخیز شتربانا بریند کجاوه کز چرخ عیان گشت همی رایت کاوه

در شاخ شجر برخاست آوای چکاوه وز طول سفر حسرت من گشت علاوه

بگذر به شتاب اندر از رود سماوه در دیده من بنگر دریاچه ساوه

وز سینه‌ام آتشکده پارس نمودار

اشعار آیینی او غالباً به مناسبت تولد ائمه یا اعیاد و جهت تبریک به شاه و درباریان سروده شده و غیر از مدح معصومین، مدح آنان را نیز آورده است. ما در اینجا تمام اشعار او به جز رباعیاتش را، بررسی کرده و شمار اشعار آیینی را استخراج کردیم. نمودار اشعار آیینی او در ادامه آمده است.



اغلب اشعار آیینی ادیب‌الممالک فراهانی در پیوند با مسایل سیاسی است و گاهی تنها چند بیت شعر او در موضوعات مذهبی و مابقی آن درباره موضوعات سیاسی یا اجتماعی است. مثلاً در ترجیع بند غدیریه دو بند آغازین در وصف علی^(ع) و عید غدیر و هشت بند بعدی، درباره امیرنظام گروسی است. شاعر درباره این شعر نوشته: «در روز عید غدیر ۱۳۱۰ که امیرنظام چند روزی بود از بیجار به قرمیسین آمده بود تا کسانی را که به ضیاءالدوله بشوریدند گوشمال دهد، من به حضرت وی رفتم و این ترجیع فروخواندم تا خشم امیر فرونشست و از جرم گنهکاران درگذشت» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۵۰۹). تعابیر و اصطلاحاتی که در شعر ادیب‌الممالک درباره امام حسین^(ع) به کار رفته، بیانگر ادبیات بکائی است.

ادیبان همواره در طول تاریخ ادبیات فارسی، برداشت‌ها و قرائت‌های مختلفی از واقعه عاشورا و نهضت حسینی داشته‌اند که نشان‌دهنده تفکر ایشان و نیز جو حاکم بر زمانه آنان است. «شاعران پارسی‌گو در گزارش واقعه، عمدتاً از یکی از این نگاه‌ها یا ترکیبی از آن‌ها برخوردار بوده‌اند: نگاه عاطفی، نگاه تاریخی، نگاه اسطوره‌ای، نگاه عرفانی، نگاه حماسی و نگاه تربیتی. برخی از این نگاه‌ها، مثل نگرش عاطفی و گرایش به ذکر مصیبت، نگاه غالب بر آثار عاشورایی است و نگرش حماسی عمدتاً به دهه‌های اخیر و اوج گرفتن احساسات و تفکرات انقلابی مربوط می‌شود» (ترکی، ۱۳۹۰: ۱۷۴). به تعبیر آراین پور، شعر ادیب‌الممالک به لحاظ سبکی، به دوره بازگشت تعلق دارد اما از نظر محتوا و موضوع از اشعار مشروطه به حساب می‌آید (آراین پور، ۱۳۷۵: ۱۳۹).

ادیب‌الممالک از نخستین شاعرانی است که در عهد مشروطه علیه استبداد و استعمار به مبارزه برخاسته و با اشعارش مردم را به مقابله با دشمنان داخلی و خارجی فراخوانده است. بن‌مایه‌های ادبیات پایداری در اشعار ادیب شامل مواردی چون ظلم‌ستیزی، دعوت به اتحاد و همبستگی مسلمین برای مبارزه با استعمار و استبداد، مرثیه شهدای راه آزادی و برانگیختن غیرت دینی مردم برای مبارزه است. جلوه‌های ادبیات پایداری در اشعار او، در دو دسته متفاوت قابل بررسی هستند:

الف. ۱. ۱. اشعاری که در آن‌ها به صورت مستقیم، حوادث واقعی روزگارش را بازگو کرده است و تقریباً نوعی سند و مدرک تاریخی به حساب می‌آیند؛ مانند شعر به توپ بستن حرم رضوی:

دگر ره چه گویم که بیداد روس چه‌ها کرد از کینه در مرز طوس

که شد تیره از توپ دشمن فضا به بار علی بن موسی الرضا^(ع)

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۶: ۶۸۲)

الف. ۱. ۲. اشعاری که در آن‌ها با زبان مجاز و با کمک کنایه، استعاره و یا تمثیل، عقاید خود را بیان کرده است.

الف. ۱. ۲. ایرج میرزا

ایرج میرزا ملقب به جلال‌الملک، متولد ۱۲۵۱ شمسی در تبریز است. او فرزند صدرالشعرا غلامحسین میرزا، نوه ایرج پسر فتحعلی شاه و نتیجه فتحعلی شاه قاجار بود. تحصیلاتش در مدرسه دارالفنون تبریز صورت گرفت و در همان مدرسه مقدمات عربی و فرانسه را آموخت. وقتی امیرنظام گروسی مدرسه مظفری را در تبریز تأسیس کرد، ایرج میرزا سمت معاونت آن مدرسه را یافت و در این سمت مدیریت ماهنامه ورقه (نخستین نشریه دانشجویی تبریز) را برعهده گرفت. در نوزده سالگی لقب ایرج بن صدرالشعرا یافت. لیکن بزودی از شاعری دربار کناره گرفت و به مشاغل دولتی مختلفی از جمله کار در وزارت فرهنگ (معارف آن‌زمان) پرداخت. سپس به استخدام اداره گمرک درآمد و پس از مشروطیت هم در مشاغل مختلف دولتی از جمله وزارت کشور در سمت فرماندار آباده و معاونت استانداری اصفهان خدمت کرد. ایرج میرزا در پی یک سکنه قلبی در منزلی در تهران درگذشت. ایرج میرزا به زبان‌های فارسی، ترکی آذربایجانی، عربی و فرانسه تسلط

داشت و روسی نیز می‌دانست و خط نستعلیق را خوب می‌نوشت. سال‌های پایانی عمر ایرج در فقر و پریشانی گذشت. او در سال ۱۳۰۴ شمسی درگذشت و در گورستان ظهیرالدوله به خاک سپرده شد. بخشی از شهرت ایرج به دلیل دوره دوم زندگی معنوی اوست که مضامین جدیدی مانند انتقاد از اوضاع سیاسی و اجتماعی، انتقاد از زاهدان ربایی و فقیهان دروغین، تشویق مردم به وطن پرستی در شعرش راه یافته (نک. ایرج میرزا، ۱۳۵۳: سه به بعد). موضوع اشعار آیینی ایرج چنین است:

الف. ۱. ۲. ۱. مدح و ثنای پیامبر اکرم (ص):

ایرج در قصیده‌ای که در مدح رسول (ص) سروده، با اشاره به سفر آخرتی که همه پیش رو دارند، بهترین توشه‌ای را که یک مسلمان می‌تواند تهیه کند، دوستی پیامبر می‌داند:

مسافری تو و ناچار بایدت زادی که زاد باید مرد را به گاه رحیل
کدام زاد نکوتر ز حبّ پیغمبر؟ که خلق را سوی ایزد ولای اوست دلیل

(باقری، ۱۳۸۹: ۴۴)

الف. ۲. ۲. ۱. مدح امام علی (ع):

خوش آنکه او را در دل بود ولای علی که هست باعث رحمت به دنیی و عقبی

(همان، ص ۸۴)

ایرج در قصیده‌ای دیگر، به توصیف واقعه غدیر خم پرداخته و این که رسول گرامی (ص) مقام ولایت را در آن روز تاریخی به حضرت علی (ع) داده است:

همه تفویض کرد امر ولایت به ابن عمّ و در معنی برادر

(همان، ص ۸۶)

ایرج میرزا قطعه‌ای سروده به نام جاه و جلال علی (ع) که در آن از معراج حضرت رسول (ص) هم گفته است. این قطعه به همراه دو قطعه مرثیه علی اکبر (ع) و مرثیه حوادث بیس از عاشورا، از اشعار قوی و موثر او هستند و در سال‌های اوج هنر او آفریده شده‌اند. «این سروده چندان مستحکم است که تنها سخنوری ورزیده می‌تواند آن را به رشته نظم

درآورد. از دیگر سو، نوع روایت و پایان‌بندی هوشمندانه و کمال‌بخش اثر، نشان می‌دهد که شاعر به اوج همان سبک و شیوه خود دست یافته است» (باقری، ۱۳۸۹: ۲۶)

الف. ۱. ۳) عارف قزوینی

عارف قزوینی در سال ۱۲۵۷ هجری شمسی متولد شد و در سن ۵۵ سالگی، در ۱۳۱۲، در بیماری و فقر درگذشت. عارف در دوران نوجوانی‌اش، اشعار آیینی می‌سروده و روضه‌خوانی هم می‌کرده است. عارف در هفده سالگی قصیده‌ای سرود که، در سال ۱۲۷۵، بر سر زبان‌ها افتاد. مطلع آن قصیده این است:

باز از افق، هلالِ محرم شد آشکار باز ابر گریه خیمه‌فکن شد به جویبار

عارف پس از ده بیت مقدمه‌چینی، این مسئله را مطرح می‌کند که دل او شبی به جانب کربلا سفر می‌کند و می‌بیند که:

مقتول عشق هر طرف افتاده چاک‌چاک مذبح رمح هر طرف افتاده پاره‌پاره

با خطّ سرخ بر رخ هر یک نوشته‌اند هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به یار

(عارف قزوینی، ۱۳۸۹: ۲۲۷)

عارف در همان دوران، شعر دیگری هم درباره‌ی عاشورا و پیش‌بینی‌های نبی اسلام (ص) دارد:

گفت پیغمبر به فرزندش حسین کای عزیز خاطر مای نور عین

از جفای بی‌حساب دشمنان بر تو می‌گیرید زمین و آسمان

(همان: ۱۷۷)

این شعر یازده بیت دارد و بسیار ساده اما مؤثر و عاطفی است. «روحیه و شخصیت عارف میان دنیای سنتی یک روحانی و نوحه‌خوان و یک موسیقی‌دان و آوازه‌خوان پراحساس، در اضطراب است و دچار وضعیت ناپایدار رمانتیک است ... عارف نخستین کسی است که ابعاد منفی و شیطانی رمانتیسم را در کنار بعد انقلابی آن عرضه کرده است» (نک. جعفری، ۱۳۸۶: صص ۱۱۶۴-۱۶۰)

الف. ۱. (۴) نسیم شمال

سید اشرف‌الدین گیلانی متخلص به نسیم شمال در سال ۱۲۸۷ هجری قمری به دنیا آمد. در ۲۹ اسفند ۱۳۱۳ هجری شمسی دارفانی را وداع گفت و در ابن بابویه به خاک سپرده شد. تنوع موضوعی اشعار آیینی او قابل تأمل است، از ولادت و شهادت معصومین (علیهم‌السلام) و مدح ایشان تا اعیاد شیعی، ماه رمضان، بیان عظمت قرآن و لزوم اطاعت از آن و نیز ادای حق قرآن تا ستایش عفت و عصمت زنان و غیرت مردان، غربت اسلام، خطر نابودی دین و تفاخر به سیادت. از این منظر، هیچ‌کدام از شاعران مشروطه به پای او نمی‌رسند، نه شاعران آیینی سرا و نه شاعران انقلابی؛ این خصلت بی‌همتای شعر اوست. نسیم شمال در اشعار آیینی خود نیز سادگی و روانی کلام را رعایت کرده و از این نظر، تقریباً یک استثناء محسوب می‌شود که هم حجم بالای اشعار آیینی و هم سادگی سبک شعر مشروطه را با هم دارد. مثلاً اشعار آیینی/یرج هم ساده‌اند اما حجم کمی دارند یا اشعار مذهبی بهار و ادیب‌الممالک بالاست اما غالباً به سبک بازگشت و متکلف سروده شده‌اند. می‌دانیم که از ویژگی‌های ادبیات پایداری، ستایش جهاد، پاکبازی و شهادت است. همچنین طرح الگوها و اسطوره‌ها به ویژه الگوهای اسلامی چون /بوزر، سلمان و ... یا معاصرانی چون میرزا کوچک خان و امثاله. نسیم شمال به یادکرد این شخصیت‌ها نیز در شعر خود مبادرت ورزیده است.

اشرف‌الدین ز داغ شهیدان می‌کشد آه در شهر تهران

روز و شب مانده با چشم گریان از خیال نجف شد پریشان

از غم کربلا زار و مات است

(حسینی، ۱۳۹۲: ۶۹۱)

در اکثر اشعار آیینی او به مسایل سیاسی و اجتماعی هم اشاره شده و گاهی موضوعات آیینی پیوندی بسیار نزدیک با این مسایل پیدا کرده‌اند. مثلاً در شعر عرض سلام که خطاب به رسول خداست، از اوضاع اجتماعی نالیده و از ایشان استمداد خواسته است:

الامان ای شاه یسرب مدفن و مکی وطن یا نبی الرحمه! ای محبوب ربّ ذوالمنن

شد هجوم آور به ما از هر طرف سیل فتن هست سوی درگهت چشم امید مرد و زن

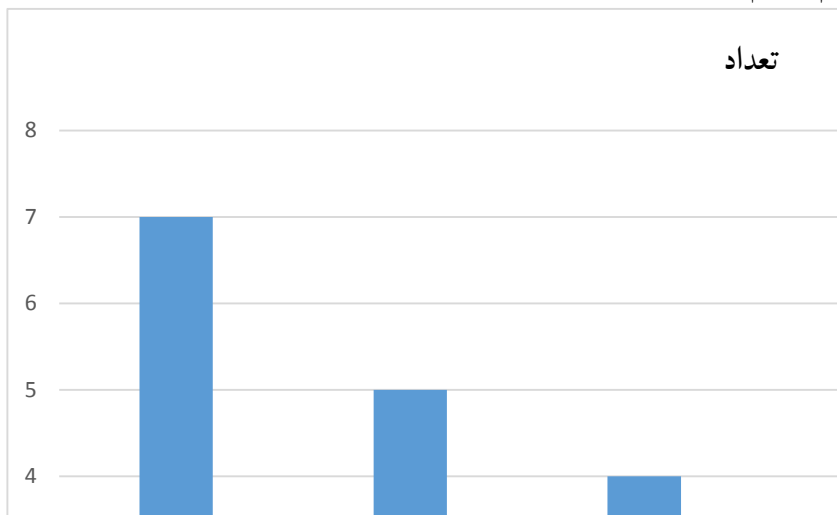
شد مسلمانان غریب، افکار نورانی غریب

(همان: ۳۳۲)

نسیم شمال از روشنفکران مذهبی زمانه است و توجه به وقایع روز را با دفاع از شرع و اعتقادات دینی و نیز توجه به ائمه (علیهم‌السلام) و حتی انتقاد از باورهای غلط و خرافات دینی و یا علمای دین را در کنار هم و به زیبایی و هنری پیش برده و از این حیث، چهره‌ای کم‌مانند است.

الف. ۱. ۵) ملک الشعرا بهار

میرزا محمد تقی صبوری، متخلص به بهار، در سال ۱۲۶۵ شمسی در مشهد دیده به عالم گشود و به سال ۱۳۳۰ شمسی، چشم از جهان فرو بست. اشعار او ساده و روان بوده و در کاربرد صنایع لفظی هم حد تعادل را نگه داشته و به تکلف نرفته است. در دیوان او چندین شعر اختصاصاً دربارهٔ ائمه است و غیر از این‌ها، در بسیاری از سروده‌های خود به امامان علیهم‌السلام اشاره داشته‌است. نمودار اشعار آیینی او به شکل زیر است:



از ویژگی‌های برجسته اشعار بهار کاربرد واژگان کهن است. مثلاً در قصیده‌ای که در منقبت ولی عصر (عج) در سن بیست سالگی سروده، این ابیات آمده:

یک سخن ز دو لب شیرین گوی صد گوازه بر لب شیرین زن

رو ره امیری چونان گیر شو در خدیوی چونین زن
تا طبرزد آوری از حنظل گردن هوا به تبرزین زن

(بهار، ۱۳۴۴: ج ۱، ص ۱۱)

نکته قابل ذکر دیگر از اشعار بهار آن است که دین در اشعار او جایگاه برجسته‌ای دارد و زیربنای نظریات او درباره حکومت و اجتماع، مبتنی بر دین‌داری است. به عقیده او، دین با تمدن مخالفتی ندارد اما تمدن باید ترکیبی از دین و آئین به همراه پیشرفت‌های علمی باشد:

دین و دولت هم نواست، ملت بی‌دین خطاست زانکه در اصل بقاست دولت و دین توأمان

(همان، ج ۱: ۳۷۳)

بی‌علمی و افلاس دل ما بخراشد آوازه دین مانع اصلاح نباشد

(همان، ص ۳۵۸)

اما در مواردی هم به نقد اشکالات و خطاهای بعضی دین‌داران پرداخته و بر باورهای غلط و خرافات دینی تاخته است. «ستیز با باورهای غلط مذهبی که اصولاً ریشه در دین مبین اسلام نداشت، از مضامینی بود که مقارن عصر مشروطه در ادبیات آن دوره پدیدار گشت. تقریباً در شعر هر شاعری و نثر هر نویسنده‌ای، عنایتی به این امر دیده می‌شود» (اکبری بیرق، ۱۳۷۹: ۱۴۳). او در اشعار خود از عقاید عوام انتقاد کرده و معتقد است انتظار ظهور را کشیدن، با تلاش برای بهبود اوضاع منافاتی ندارد.

گویمش دین رفت از کف، گوید این باشد دلیل بر ظهور مهدی صاحب زمن، من با کی‌ام

(همان، ج ۱، ۲۸۹)

اما شاخص‌ترین اشعار آیینی بهار، اشعار رضوی اوست. نکته قابل ذکر آنکه بهار در بسیاری از اشعار آیینی خود، در پایان شعر، گریزی به مدح امام رضا^(ع) زده است. از آنجا که او ملک‌الشعرای استان قدس بوده، وظیفه خود می‌دیده که به منقبت امام رضا^(ع) هم پردازد. بهار چندین شعر اختصاصاً در منقبت امام هشتم سروده است؛ مانند شعر «شب

قدر» به مطلع:

ای شب قدر و ای خزانه اجر و السلام علیک حتی الفجر

(همان، ص ۲۷۲)

بهار همچنین در واقعه بمباران کردن آستان قدس رضوی در روز دهم ربیع الثانی یا ۱۲۹۰ شمسی به دست ارتش روس و ریخته شدن خون جمعی از زوآر قصیده ای پر طنین سرود. «بهار در این هنگام از خراسان به تهران تبعید شده بود و این قصیده را به اقتضای انوری ایبوردی به آن مناسبت سرود» (بهار، ۱۳۴۴: ج ۱، ص ۲۲۹).

بوی خون ای باد از طوس سوی یثرب بر با نبی برگوی از تربت خونین پسر

(همان، ص ۲۲۹)

الف.۲) شاعران گروه دوم

گروه دوم عبارتند از شاعران کمتر شناخته شده ادب آیینی که اکثر آنان به سبک قدیم شعر سروده و نوگرایی ندارند. اینان همچنین به حوادث سیاسی و اجتماعی کم توجه هستند و بازتاب وقایع زمانه در اشعارشان ناچیز است. ظاهراً این دو علت، سبب ناشناخته بودن این دسته از شاعران گشته است. تعدادی از این شاعران، به ترتیب تاریخ فوتشان، معرفی می‌شوند:

الف.۲.۱) فؤاد کرمانی

میرزا آقا فتح الله قدسی متخلص به فؤاد شاعر کرمانی، در سال ۱۲۲۷ شمسی در کرمان متولد شد و در سال ۱۳۱۷ شمسی درگذشت. عشقی فراوان در شعر فؤاد به ائمه اطهار وجود دارد. او عاشق اهل بیت است و چنان پرشور و حرارت از عشق به آنان سخن می‌گوید که کمتر کسی را می‌توان همتای او شمرد. فؤاد درباره بسیاری از معصومین (علیهم السلام) شعر سروده، مثلاً درباره حضرت زهرا (س)، حضرت علی (ع)، امام حسین (ع) و امام زمان (عج). در نقد اشعار آیینی دیوان فؤاد کرمانی مطالب فراوانی می‌توان گفت؛ از جمله کاربرد لغات و ترکیبات عربی که گاهی مشکل و غیرمعمول هم هستند، از خصایص برجسته شعر فؤاد است. مثلاً درباره حضرت زینب (س) سروده:

ز اشراق تجلیات انوار جمال افتاده در انصعاق جلوات جلال
(فؤاد کرمانی، ۱۳۶۸: ۱۳۲)

«یکی از دلایل اصلی توجه فؤاد به زبان و لغت عرب، توغّل و تدبیر فراوان او در قرآن و حدیث است به گونه‌ای که فضای عمومی شعر او به ویژه اشعاری که در منقبت مولا علی^(ع) سروده، از آیات و احادیث سرشار است... و درست به موجب همین توجه خاص به زبان عربی است که برخی شعرهای فؤاد -چه در منقبت مولا و چه در موضوعات دیگر- با قافیه‌های دشوار عربی همراه شده‌اند. کلماتی مانند غسق، علق، مسترق، نسق، دق و ... یا ثاقب، ترائب، قوالب، غرائب، نواصب و ...» (مدرّس زاده، ۱۳۷۹: ۲۳۹) اشعار مذهبی از آنجا که برای عامه مردم و برانگیختن احساسات مذهبی آن‌ها است، معمولاً ساده و صمیمی است، شعر فؤاد نیز چنین است؛ اما گاهی کلمات دشوار را وارد شعر می‌کند تا عربی‌دانی و معلومات خود را به رخ کشد. اشعار آیینی فؤاد، به ویژه اشعار عاشورایی او، اغلب عاشقانه‌اند؛ مثلاً تعبیر او از مرگ در رثای اباعبدالله^(ع):

آنکه هلاکش نمود، ساعد سیمین یار باز به آن ساعدش کشته شدن، آرزوست
(فؤاد کرمانی، ۱۳۶۸: ۱۸۸)

«شعر عاشقانه فؤاد در عین سوز و ساز، از تزیین، آرایه و پیرایه نیز تهی نیست و صناعی نظیر جناس، ایهام و ترجیع در کارش فراوانی دارند، حتی شاعر به قافیه‌ها و ردیف‌های نو و بدیع نیز می‌اندیشد. همچنین سخنش گاه از غرابت استعمال و واژگان نامأنوس رنج می‌برد» (کافی، ۱۳۸۱: ۴۶۹). اشعار او در زمینه‌های بلاغی بسیار پرمایه و بیشتر به سبک عراقی است. کاربرد فراوان استعاره و تشبیه و نیز ایهام، در کنار اصطلاحات عاشقانه و تلفیق آن با عرفان، شعر او را به سبک حافظ، نزدیک کرده است.

الف. ۲. ۲. میرزا یحیی مدرّس اصفهانی

میرزا یحیی مدرّس اصفهانی در سال ۱۲۵۴ ه.ق. متولد شده است (موسوی گرمسارودی، ۱۳۸۱: ۱۱۸) وی در سال ۱۳۴۹ هجری قمری چشم از جهان فرو بست. دیوان میرزا یحیی که مجموعه‌ای از قصاید و مرثیاتی است، از روی چاپ سنگی قدیمی و به همت علی نظری منفرد به چاپ رسیده است. در دیوان میرزا یحیی تنها اشعار آیینی و مذهبی وجود دارد و او برای تمام چهارده معصوم، حداقل یک شعر و گاهی اشعار متعدد سروده و غیر از آن بزرگواران، برای اهل بیت و یاران‌شان نیز اشعاری سروده است. مثلاً درباره میلاد امام

زمان (عج) و یا در مدح ایشان، نوزده شعر در قالب‌های مختلفی چون قصیده و ترکیب‌بند و مسمط سروده و با این کار به امام عصر خود ابراز ارادت کرده است. در اشعار میرزا یحیی واژگان عربی نامأنوس کاربرد دارد.

جوشنت از لی مع الله، مغفرت از هل آتی کسورت ام القری و لشکرت ام الکتاب

(مدرس اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۷۸)

به طور کلی، عربی‌گویی در دیوان میرزا یحیی بسامد بالایی دارد و گاهی تمام بیت شعر او عربی است، مثلاً در مرثیه حضرت علی اصغر^(ع) سروده است:

لَيْتَكُمْ فِي يَوْمٍ عَاشُورًا جَمِيعًا تَنْظُرُونِي كَيْفَ أَسْتَسْقِي بِطِفْلِي فَأَبُو أَنْ يَرَحْمُونِي

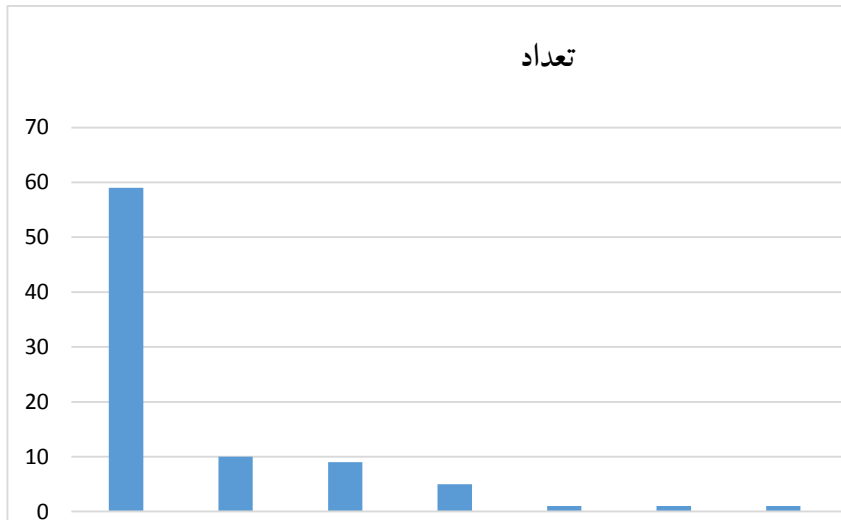
(همان، ص ۴۷)

«اشعار میرزا یحیی باهمه زیبایی در تشبیه و ترکیب، از تعقیدی که در لسان علمای حوزه وجود دارد، خالی نیست. با این همه انتخاب اوزان گوناگون و توجه چشمگیرش به مسمط سرایی، حاکی از طربناکی ذهن اوست» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۷: ۱۱۸). از ویژگی‌های اشعار او گریز زدن به ماجرای کربلاست، یعنی در بسیاری از اشعار که مربوط به امام حسین^(ع) نبوده و درباره سایر ائمه است، در پایان شعر به رسم روضه‌خوانان عمل کرده و به وقایع کربلا گریز می‌زند و شعر را به پایان می‌برد. در اشعار مهدوی او هم این مورد دیده می‌شود، مثلاً در شعری با عنوان فی نعت مولانا صاحب الزمان پس از ابیات مختلفی که در ستایش امام عصر^(عج) آورده، در پایان شعر بحث انتقام خون حسین^(ع) را مطرح کرده و از آنجا در رثای ابا عبدالله و نحوه شهادتشان توضیح داده است.

الف. ۲. ۳. صغیر اصفهانی

محمدحسین متخلص به صغیر در سال ۱۲۷۱ ش اصفهان متولد شد. از نه سالگی شروع به سرودن شعر کرد و به همین دلیل این تخلص را برگزید. او در سال ۱۳۴۹ درگذشت. صغیر از عارفان بزرگ و پیرو سلسله نعمت‌اللهی و مرید صابرعلیشاه بوده و افکار عرفانی در اشعار او نیز بازتاب یافته است. در کتاب شرح منظومه ظهر گفته شده که «صغیر به طور ویژه شاعر عاشوراست و خارج از حوزه آیینی سخن‌سرایی نکرده است» (کافی، ۱۳۸۱: ۵۶۶). در دیوان صغیر، اشعار آیینی فراوانی وجود دارد اما شعر او را نمی‌توان "مطلقاً" آیینی دانست. در دیوان او پانصد و چهل و پنج قطعه شعر در قالب‌های گوناگون وجود دارد که این به استثنای رباعیات و مفردات اوست. از این تعداد شعر، هشتاد و نه قطعه شعر

آن آیینی است و پنجاه و نه قطعه نیز اشارات آیینی دارند؛ یعنی به طور کلی حدود چهارده درصد از اشعارش آیینی صرف است. موضوع اشعار آیینی را او در نمودار ذیل آورده ایم:



بیشترین اشعار آیینی *صغیر اصفهانی* اختصاص به امیرالمؤمنین دارد و حتی در تعدادی از اشعاری که غیر آیینی است، در بیت آخر و یا ماقبل آخر، به امام علی^(ع) اشاره دارد. واژگان عربی غیر معمولی که در شعر فارسی به کار نمی‌روند، در شعر *صغیر* کاربرد دارد و در هر شعر معمولاً چند واژه یافت می‌شود. مثلاً در مدح امام زمان^(عج) سروده است:

چرخ است سبزه زارِ وی، انجم شکوفه‌اش ماهش گل سفید و گل اصفَر آفتاب

(*صغیر اصفهانی*، ۱۳۳۰: ۱۵)

نکته قابل توجه این که کلمات نامأنوس عربی در شعر *صغیر* به پای اقرانش مثلاً *قواد* و *میرزا یحیی* نمی‌رسد و خیلی کم کاربردتر است. *صغیر* به آرایه‌های بیانی و بدیعی نیز توجه زیادی داشته و در اشعار او آرایه تشبیه بسامد بسیار بالایی دارد که تشبیهات محسوس به محسوس و نیز معقول به محسوس بیشترین تعداد را دارند. مثلاً در مدح امام علی^(ع) سروده:

کی توان خواندن کف فیاض او را بحر و کان آنکه از جود وجودش بحر و کان آمد

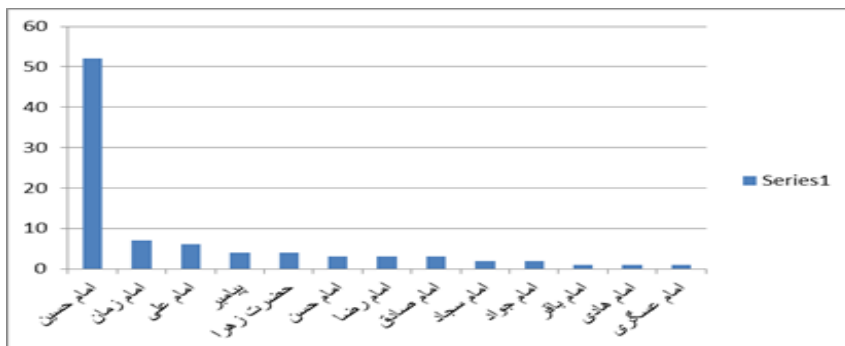
(همان، ص ۲۰)

به طور کلی سبک اشعار او به تقلید از استادان بزرگ سبک عراقی است و «از لحاظ طبقه‌بندی فنی و سبک‌شناسی، روی هم رفته در شیوه عراقی است که با گذشت روزگاران، ساده و هموار شده است» (صغیر اصفهانی، ۱۳۳۰: و).

الف. ۲. ۴) مفتقر

علّامه شیخ محمد حسین غروی اصفهانی متخلص به مفتقر، در سال ۱۲۵۸ شمسی متولد شد و در سال ۱۳۶۱ قمری در نجف اشرف درگذشت. از او آثار مکتوب زیادی به جا مانده که در علوم مختلفی است؛ مثلاً در علم اصول آثاری چون *الاجتهاد و التقليد و العدالة و الاصول علی النهج الحدیث* و در علم فقه آثاری مانند کتاب *الاجازه و حاشیه بر مکاسب* دارد؛ همچنین او صاحب تفسیر قرآن نیز هست.

او را با نام کمپانی می‌شناسند که ظاهراً به دلیل بازرگان بودن پدرش این نام را بر او نهاده‌اند اما خود «ناراضی بود و از شنیدن این کلمه بیگانه، به سختی ناراحت می‌شد» (صحتی سردرودی، ۱۳۸۱: ۶۴). اشعار او یکدست نیستند و نقاط اوج و فرود دارند، همچنین او «در ادب عرب متبحر بود و خود بزرگ شده دیار عرب و این بی‌گمان در توان شعری او بی‌تأثیر نیست... برخی از اشعار پارسی او در زمره بهترین‌های ادب ایران جای می‌گیرد» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۷: ۱۳۸). مفتقر نود و سه شعر آیینی در مرثیه و منقبت ائمه (علیهم‌السلام) دارد که در دیوان او تحت دو عنوان کلی گردآمده‌اند: یکی «مدایح» و دیگری «مراثی». در میان این اشعار، اشعار مربوط به امام حسین^(ع) و ماجرای کربلا، بالاترین میزان را دارند و پنجاه و دو شعر به این مضامین اختصاص یافته است. اگر اشعار مربوط به واقعه کربلا و حوادث و شخصیت‌های پیرامون آن را در یک دسته قرار دهیم، پنجاه و دو شعر می‌شود و نمودار آن در مقایسه با سایر موضوعات، تفاوت فاحشی می‌یابد:



مفتقر نسبت به بعضی از شاعران هم‌عصرش مثلاً *فواد کرمانی* یا *میرزا یحیی مدرس* اصفهانی، واژه‌های عربی کمی به کار برده است. از نظر بلاغی، پرکاربردترین صنعت بیانی در شعر مفتقر، تشبیه است که در این میان درصد تشبیهات عقلی به حسی و اضافه تشبیهی بسیار زیاد است، مثلاً در این بیت:

سرزد چو ماه معرفت از مشرق سنان از مغرب آفتاب قیامت شد آشکار

(غروی اصفهانی، ۱۳۷۲: ۶۷)

بعد از تشبیه، استعاره از پرکاربردترین صنایع بیانی شعر مفتقر است که بسیاری از آن‌ها آیینی‌اند. مفتقر از عناصر طبیعی نیز بهره برده و استعارات متنوعی ساخته است، مثلاً در توصیف اسارت اهل بیت امام^(ع)، مجموعه‌ای از پرندگان را که معرف شخصیت آنان و دشمنان‌شان هستند، به خدمت گرفته است:

هم‌نشین زاغ شد طاووس باغ کبریا یا که عنقا و هما با کرکس و شاهین قرین

(همان، ص ۱۶۱)

تنوع عناصر طبیعی در اشعار سرایندگان فارسی بیشتر از عربی است و این تنوع را به عنوان نمونه، می‌توان در دایره‌ی واژگانی شاعران ایرانی در استفاده از پرندگان به عنوان عناصر تصویرهای استعاری خود شاهد بود. «درحالی که حیطة استفاده شاعران عرب، محدود به کبوتر، عقاب، بغاث (نوعی پرنده کوچک) و باز شده، ایرانیان از پرندگانی چون عندلیب، کبوتر، زاغ، طاووس، هما، کرکس، شاهین، قمری و مرغ استفاده کرده‌اند.» (انصاری، ۱۳۸۹: ۲۵۶). آیت‌الله غروی شاعری برجسته در مدح و مرثیه‌ی اهل بیت بود و «به دلیل تسلط بر مباحث و حیانی و روایی و فقهی و شرح حال امامان معصوم و مناقب آنان، به ویژه جریان کربلا، مضامین دقیق و ظریفی در اشعار ایشان بازتاب یافته است و می‌تواند الگوی خوبی برای شاعران آیینی و مناقب‌خوانان و مداحان اهل بیت باشد تا از مباحث خرافی به دور باشند.» (فولادی، ۱۳۹۰: ۲۱۴)

الف. ۲. ۵) سایر شاعران

از دیگر شاعران آیینی سرای این دوران می‌توان به این افراد اشاره کرد. صامت بروجردی (۱۳۳۳-۱۲۶۳ ق)، میرزا حبیب خراسانی (۱۳۲۷-۱۲۶۶ ق)، فرصت شیرازی (۱۳۳۹-۱۲۷۱ ق)، ذوقی اصفهانی (۱۳۳۶-۱۲۷۳ ق)، ضیایی ناظم‌الملک (۱۳۵۲-۱۲۷۵ ق)

ق)، طرب شیرازی (۱۳۳۰-۱۲۷۶ ق)، سید احمد نوربخش دهکردی (۱۳۳۹-۱۲۸۵ ق)، رفعت سمنانی (متوفی ۱۳۵۰ ق).

نتیجه گیری

در دوره مشروطه مضامین جدیدی وارد ادبیات می شود که متأثر از فرهنگ عاشورا هستند؛ مانند مبارزه با ظلم، برقراری عدالت و نیز مقابله با استعمار. شاعران آیینی سرای این دوره نیز به دو دسته بزرگ قابل تفکیک هستند: یکی شاعرانی که در کنار مسائل دینی به مسائل اجتماعی و سیاسی زمان هم توجه دارند؛ دسته دوم شاعرانی که در اشعارشان انعکاسی از حوادث زمانه دیده نمی شود. اغلب آنان سبک بازگشت دارند و طرح مسائل دینی دغدغه آنها بوده است؛ شاعرانی امثال مفتقر و میرزایحیی اصفهانی در این دسته اند. سرایندگانی مانند ادیب الممالک، سید اشرف، بهار و ایرج در دسته اول قرار می گیرند.

منابع

الف. کتاب‌ها

۱. آراین پور، یحیی. (۱۳۷۵). *از صبا تا نیما*. سه جلدی. چاپ ششم. تهران: زوار.
۲. انصاری، نرگس. (۱۳۸۹). *عاشورا در آئینه شعر معاصر (بررسی و تحلیل شعرهای عاشورایی فارسی و عربی)*. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
۳. باقری، ساعد. سهیل محمودی. (۱۳۸۹). *ایرج شیرین سخن (گزیده شعر ایرج میرزا)*. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی وابسته به انتشارات امیرکبیر.
۴. بهار، محمدتقی. (۱۳۴۴). *دیوان اشعار*. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
۵. ترکی، محمدرضا. (۱۳۹۰). *برسه در عرصه کلمات*. چاپ دوم. تهران: انتشارات سخن.
۶. جعفری، مسعود. (۱۳۸۶). *سیر رماتیسیم در ایران*. چاپ اول. تهران: مرکز.
۷. حسینی، سید اشرف الدین. (۱۳۹۲). *کلیات جاودانه نسیم شمال*. به کوشش حسین نمینی. چاپ سوم. تهران: اساطیر.
۸. شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۷). *ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت*. چاپ سوم. تهران: سخن.
۹. _____ (۱۳۸۲). *ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما*. مترجم حجت‌الله اصیل. چاپ دوم. تهران: نی.
۱۰. صحتی سردودی، محمد. (۱۳۸۸). *غروری اصفهانی نایفه نجف*. پژوهشکده باقرالعلوم. چاپ دوم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۱. صغیر اصفهانی، محمدحسین. (۱۳۳۰). *دیوان صغیر اصفهانی*. چاپ چهارم. اصفهان: کتابفروشی تایید اصفهان.
۱۲. عارف قزوینی. (۱۳۸۹). *دیوان عارف قزوینی*. به کوشش مهدی نور محمدی. چاپ اول. تهران: سخن.
۱۳. غروی اصفهانی، شیخ محمدحسین. (۱۳۷۲). *دیوان غروی اصفهانی*. تصحیح سیدکاظم موسوی. چاپ دهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. فراهانی، ادیب الممالک. (بی‌تا). *دیوان ادیب الممالک فراهانی*. تصحیح وحید دستگردی. تهران: چاپخانه مروی.
۱۵. قدسی، آقا فتح‌الله (فؤاد کرمانی). (۱۳۶۸). *شمع جمع*. چاپ یازدهم. تهران: چاپخانه حیدری.
۱۶. کافی، غلامرضا. (۱۳۸۸). *شرح منظومه ظهیر*. چاپ دوم. تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.
۱۷. کرمی، اکرم. (۱۳۸۹). *عرفان در ادبیات عاشورایی*. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۸. مدرس اصفهانی، میرزا یحیی. (۱۳۸۷). *دیوان یحیی*. چاپ دوم. قم: جلوه کمال.
۱۹. موسوی گرمارودی، سید علی. (۱۳۸۶). *زندگی و شعر ادیب‌الممالک فراهانی*. چاپ دوم. تهران: قدیانی.
۲۰. موسوی گرمارودی، سید مصطفی. (۱۳۸۷). *غدیر در شعر فارسی*. چاپ اول. مشهد: دلیل.

ب) مقالات

۱. اکرمی، میرجلیل. محمد خاکپور. (۱۳۹۰). «نقد و بررسی شعر نو آیینی پیش از انقلاب اسلامی». نشریه پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا). شماره سوم. سال پنجم. پیاپی ۱۹. پاییز ۹۰. ص ۳۳-۵۶
۲. فولادی، محمد. (۱۳۹۰). «تاثیر قرآن و حدیث بر دیوان آیت‌الله غروی اصفهانی». سراج منیر (دانشگاه

- علامه طباطبایی). شماره ۵. سال دو. زمستان ۱۳۹۰. صص ۱۸۳-۲۱۶
۳. مدرس زاده، عبدالرضا. (۱۳۷۹). «نقش علی عمرانی بر دل فؤاد کرمانی». فرهنگ. بهار و زمستان ۱۳۷۹. شماره ۳۳-۳۶. سال دو. صص ۲۳۳-۲۴۲

